

خدا حافظی با کلنگ تیز کن ها و حلبی سازها



■ موضوع: مشاغل محلی

■ ویژگی: برخی شغل ها با سبک و شیوه زندگی اهالی یوسف آباد مر تبط بود

برخی مشاغل در تهران قدیم به شکل عجیبی با سبک زندگی و بافت محله ها عجین بودند، اما آرام آرام و با گذشت زمان از خاطر تهران نشین ها محو شدند. یوسف آباد یکی از محله های قدیمی تهران است که چند شغل عجیب در آن رواج داشت که با شیوه زندگی اهالی این محله متناسب بود. جمشید رحمانی پناه، می گوید: «یوسف آباد زمین سفت و خاک رس مقاومی داشت و کارگرانی که برای ساختمان سازی استخدام می شدند با مشقت فراوان زمین را حفر می کردند. خاک محله به حدی مقاوم بود که کلنگ ها به سرعت کند می شدند و به همین خاطر شغل کلنگ تیز کنی در یوسف آباد رونق گرفت. فردی به نام حاج علی زینی، هر روز صبح کلنگ های کارگران ساختمانی و کشاورزان محلی را داخل کوره قرار می داد تا نرم شوند. بعد هم آنها را با پتک های مخصوص می کوبید تا نوک آنها تیز شود. مشتریان او به حدی زیاد بودند که هر روز مقابل مغازه اش صف می کشیدند.» معماری خانه های یوسف آباد هم به گونه ای بود که موجب پدیدار شدن یک شغل تازه در دهه ۴۰ شد. حلبی سازها کسانی بودند که ماموریت شان ترمیم سقف شیروانی خانه های مردم بود و دست بر قضا درآمد خوبی هم داشتند. رحمانی پناه در این باره می گوید: «سقف برخی خانه های یوسف آباد در آن سال ها کاهگلی بود؛ مدام روی این پشت بام ها را غلتک می کشیدند تا در زمستان چکه نکنند. افرادی که از تمکن مالی بهتری برخوردار بودند، خانه های شان شیروانی داشت و سقف آن را با حلبی می ساختند. حلبی سازها در آن برهه کسب و کار پربرونقی داشتند. برخی حلبی سازها شیروانی ها را با ورق پیت های نفت که از شوروی می آمد و بسیار مقاوم بود، عایق کاری می کردند. بعدها که ساختمان سازی در یوسف آباد سرعت گرفت، حلبی سازها کانال ساز شدند و برای خانه های مردم، کانال کولر و نودان می ساختند.»



مسلمان شدن ۶۰۰ نفر از ادیان مختلف در این محله

را در مسجد برپا کرد و برای مدتی مشغول تدریس فلسفه شد و سال های بعد هم به تدریس درس خارج فقه و اصول، کفایه، رسائل و... پرداخت. همچنین ۵ دوره هم منظومه ملاهادی سبزواری را درس داد. اساس و اولویت او برای تدریس، پرورش نسل آگاه و زمان شناس بود. در همین مسیر، مسجد شفا یکی از کانون هایی بود که افراد برجسته علمی در آن پرورش یافته و به جامعه معرفی شدند.» سیدرضی در ۳۰ سالگی ساکن سرچشمه بود و در کنار بزرگان بسیاری در مدرسه سپهسالار (شهید مطهری فعلی) به تدریس پرداخت. همچنین آیت الله حاج سیدعلی هاشمی گلپایگانی، امام جماعت مسجد سادات یوسف آباد هم ساکن همین محله بود. به گفته رحمانی پناه به همت و دوراندیشی این دو روحانی جمعیت بسیاری از نقاط مختلف تهران به مسجد شفا و سادات محله یوسف آباد می آمدند.

متعدد و متنوع علمی، اجتماعی و فرهنگی در منطقه ۶ محسوب می شود. جمشید رحمانی پناه از ساکنان قدیمی محله یوسف آباد می گوید: «آیت الله سیدرضی اعتقاد داشت حضورش در این محله و مسجد، لطف و عنایتی از سوی خداوند است که باعث شده بتواند افراد بسیاری را با اسلام و مذهب تشیع آشنا کند. او از نوادگان میرزای شیرازی بزرگ، صاحب حکم تحریم تنباکو و از برجسته ترین فیلسوفان و فقه های ساکن تهران بود.» به گفته رحمانی پناه، آیت الله سیدرضی از سال ۱۳۵۰ به محله یوسف آباد آمد و فعالیتش را به عنوان امام جماعت مسجد شفا آغاز کرد: «در محله یوسف آباد شمار قابل توجهی مسیحی، زرتشتی، کلیمی، بودایی و بهایی زندگی می کردند. یکی از اقدامات شاخص سیدرضی شیرازی در این محله جذب این افراد بود که حدود ۶۰۰ نفر را مسلمان کرد. سیدرضی جلسات اصول عقاید، کلام و تفسیر

■ موضوع: فعالیت های آیت الله سیدرضی شیرازی در مسجد شفا

■ ویژگی: ترغیب و راهنمایی برای پیوستن به دین اسلام

اقلیت های مختلفی از اواخر دهه ۳۰ در محله یوسف آباد ساکن شدند و به همین سبب یوسف آباد را به نام «محله ادیان» هم می شناختند. آیت الله سیدرضی شیرازی، مجتهد، فقیه و فیلسوف بیش از نیم قرن امام جماعت، واعظ و منبر نشین مسجد شفا در محله یوسف آباد بود. مسجد شفا به دستور آیت الله العظمی سیدحسین طباطبایی بروجردی، زعمیم جهان تشیع ساخته و در مراسمی با حضور آیت الله العظمی سیداحمد خوانساری افتتاح شد. آیت الله العظمی خوانساری، همان ابتدا سیدرضی را به امامت جماعت این مسجد منصوب کرد و همچنان یکی از مساجد فعال و منشأ خدمات



تلاش خیران خوشنام برای آبادانی

بیمارستان تخصصی حضرت فاطمه (س) یوسف آباد، سال هاست که در زمینه پیوند اعضا و سوختگی فعالیت می کند و بیماران را از دور ترین نقاط کشور می پذیرد. برخی از این بیماران توان مالی برای مداوا ندارند و توسط این خیریه تحت پوشش قرار می گیرند.» ساخت مسجد سادات در دهه ۴۰ یکی دیگر از کارهای نیکی است که با کمک خیران محله یوسف آباد انجام شده است. محسن شاعری درباره خیران مسجد سادات می گوید: «این مسجد به همت نیکوکارانی همچون حاج ابوالقاسم عجاییبی، حاج آقا مستقل، حاج سیدمحمد حسینی و بزرگان محله ساخته شد. بسیاری از مردم محله در ساخت و تجهیز مسجد مشارکت کردند. راه اندازی صندوق قرض الحسنه تلاشی از سوی هیأت امنا و ریش سفیدان محله بود تا بتوانند وام های قرض الحسنه به نیازمندان بدهند و از مشکلات اهل محل گره گشایی کنند. این سنت نیک، اکنون هم با مشارکت خیران در مسجد سادات برقرار است.»

که توسط خانم حکمت، از کلیمیان ساکن یوسف آباد راه اندازی شده بود.» محسن شاعری، دیگر معتمد محله یوسف آباد از خیرانی نام می برد که برای مداوای بیماران تلاش می کردند: «دکتر مهرپارسا، از پزشکان نیکوکار محله بود. زمانی که حدود ۹ سال داشتم، دکتر را دیده بودم که در درمانگاه یوسف آباد در محله پله اول، بیماران را رایگان مداوا می کرد. دکتر نفیسی و دکتر عقیلی هم از پزشکان خوشنام محله بودند. یادم هست که به مناسبت سال نو، لباس های متحدالشکلی از باب همایون می خریدند و به بچه ها و به خصوص دانش آموزان و نیازمندان هدیه می دادند.» جمشید رحمانی پناه از خیران امروز می گوید: «در شرایطی که هزینه های عمل جراحی و دارو و درمان بالاست، گروهی از نیکوکاران با همکاری پزشکان خیر، خیریه ای با نام حضرت فاطمه (س) در بیمارستان فاطمه زهرا (س) تشکیل دادند تا در این مرکز بیمارستانی بتوانند بخشی یا تمام هزینه های بیماران نیازمند را بر عهده بگیرند.

■ موضوع: مجموعه های خیر ساز

■ ویژگی: ساخت مسجد، بیمارستان، خیریه درمانی، مدرسه و... توسط نیکوکاران

مسجد، مدرسه، درمانگاه و رسیدگی به نیازمندان محله یوسف آباد از گذشته تا به امروز از اقدامات خیرخواهانه ای بوده که توسط اهالی و نیکوکاران این محله انجام می شده است. جمشید رحمانی پناه، یکی از معتمدان محله یوسف آباد برایمان از مدرسه باغچه بان می گوید که توسط نیکوکار ساکن محله ساخته شد. رحمانی پناه که خود از شاگردان این مدرسه بوده، می گوید: «مدرسه کاظم زاده ایرانشهر بالای میدان کلاتری و جنب مدرسه باغچه بان بود. مدرسه ۲ طبقه و سقفی شیروانی داشت، با حیاطی بزرگ و زمین بازی که از دالان بزرگ بنای آن برای امتحانات استفاده می شد. البته بعدها ساختمان آن را به مدرسه باغچه بان ملحق کردند و اکنون نامی از این مدرسه نیست. میس حکمت، مدرسه ای دیگر بود